

مستند محیط‌زیستی «اپوش» به‌کارگردانی بهمن ابراهیمی، به‌همت اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل صداوسیما در پنجمین دوره جشنواره در بریتانیا پذیرفته شد. این مستند ۵۲ دقیقه‌ای، با تمرکز بر یکی از نمادین‌ترین مناظر طبیعی ایران -کوه الوند در استان همدان- به بررسی ظرافت‌های رابطه انسان و طبیعت و تهدیدهای

راه‌یابی مستند

ایرانی به جشنواره

فیلم اقلیمی بریتانیا

فرآیندهای می‌پردازد که اکوسیستم این منطقه را در معرض خطر قرار داده‌اند.

اپوش که همانام دیو خشکسالی است، با بهره‌گیری از تصاویر هوایی، نه‌تنها زیبایی‌های بکر و دست‌نخورده الوند را به‌تصویر می‌کشد، بلکه هشدار می‌دهد این گنجینه اکولوژیک -با نقش حیاتی در تامین حوزه‌های آبریز استان‌های مرکزی



بابک خواجه‌پاشا معتقد است رسالت هنرمند در روزگار جنگ

دوری از نگاه‌های گزینشی و ایستادن در سمت درست تاریخ برای دفاع از حقیقت است

در روزگار جنگ که همه‌چیز تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد انگار همه‌چیز فرق می‌کند، مفاهیم پررنگ‌تر می‌شوند و انسان‌ها حساس‌تر و به‌همین دلیل است که

جنگ با تمام بدی‌هایی که دارد، تبدیل می‌شود به سنگ‌محکی که انسانیت را با آن می‌سنجند؛ از کارهای کوچکی مثل پرچم تکان‌دادن گرفته تا آت‌هایی که پشت پدافند و لانچر آماده خدمت هستند و شاید هیچ‌وقت نامی از آنها نشنویم؛ اما یکی اقلشاری که انتظار می‌رود به‌واسطه مسئولیتی که بر گردن دارند در صفا اول باشند، هنرمندان هستند چراکه هنرمند بدون داشتن حس مسئولیت اجتماعی به دانه‌ای میان‌توی می‌ماند. مسئولیت اجتماعی هنرمند در روزگار پراشتاب کنونی، موضوعی است که همواره محل بحث و تبادل نظر در محافل فرهنگی و رسانه‌ای بوده است. هنگامی که جامعه در شرایط ویژه‌ای به‌سر می‌برد، نقش هنرمند به‌عنوان وجدان بیدار جامعه بیش از پیش اهمیت می‌یابد. به‌همین منظور، گفت‌وگویی کوتاه اما پرکنته با بابک خواجه پاشا، کارگردان سینما داشته‌ایم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

آقای خواجه‌پاشا، شما «مسئولیت اجتماعی هنرمند» را در دنیای امروز چگونه تعریف می‌کنید؟

هنرمندان قطعا در طول تاریخ همیشه یک مسئولیت اجتماعی بزرگ بر دوش داشته‌اند؛ این مسئولیت در بیشترین جایی که می‌تواند تاثیرگذار باشد، قطعا روان و درون انسان هاست. وظیفه آنها بدون شک پالایش روح انسان‌هاست. وظیفه‌شان ایستادن در طرف درست تاریخ

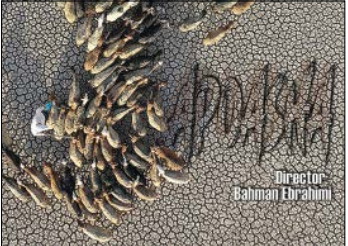
و در سمت انسانیت است. شما اگر در طول تاریخ نگاه بکنید، هنرمندانی که واقعا تاثیرگذار بوده‌اند، همواره سعی کرده‌اند در طرف اخلاق و انسانیت بایستند و در سمت درست تاریخ قرار بگیرند. یعنی اگر هنرمندی در سمت درست می‌ایستد، می‌شود به او لقب هنرمند داد و به او گفت «هنرمند». اگر این‌گونه نباشد، اصلا نمی‌شود در مورد هنر او صحبت کرد؛ چراکه وظیفه هنر تزکیه است، وظیفه هنر پالایش است. هنر درشت‌گویی نیست؛ جدا بودن از جامعه و ملت نیست. هنرمند بودن، یعنی عین ملت بودن؛ هنرمند بودن یعنی همواره با مردم بودن.

آیا توجه به این‌که ما اکنون در شرایط جنگی قرار داریم و جامعه از وضعیت عادی خودش خارج شده، به‌نظر شما این مسئولیت اجتماعی چه تغییری می‌کند؟ آیا اساسا تغییری در آن ایجاد می‌شود یا صرفا این مسئولیت اجتماعی پررنگ‌تر از قبل می‌شود؟

قطعا تغییر نمی‌کند، بلکه به‌شدت تقویت می‌شود و خیلی پررنگ‌تر هم جلوه می‌کند. در فضایی که جامعه ما در آن قرار دارد و درگیر یک جنگ است و ما شاهدیم که عزیزان و بچه‌های‌مان آسیب می‌بینند، وظیفه هنرمند بسیار پررنگ‌تر می‌شود. در اینجا شاید هنرمند باید در کنجی بنشیند و اول با خودش خلوت کند تا ببیند که حقیقت کجاست؛ آن حقیقت فطری و الهی که اصلا هنر را خلق کرده، کجاست؛ وقتی آن را کشف کرد، باید دقیقا در همان سمت گام بردارد. ببینید، اگر هنرمندی الان -اصلا چه ایرانی،

چه خارجی و چه در هر کجای جهان- مثلا در مورد قضیه آنجا و بمب‌انمی که در هیروشیما فرود آمد صحبتی نکند و در طول تاریخ دغدغه‌ای نسبت به آن نداشته باشد، این‌فرد را اصلا نمی‌شود در عالم هنر به‌جا آورد. من این فکت تاریخی را می‌دهم که بگویم اگر کسی در مورد معضاتی که برای سرخوستان ها و سیاهپوستان ها در آمریکا ایجاد شد، نظری نداشته باشد، یا اگر دردی نکشیده باشد و حرفی نزده باشد، در عالم هنر هیچ جایی ندارد.

این فکت تاریخی را می‌دهم که بگویم اگر کسی امروز در قالب حوادثی مانند میناب، در مورد شهدای کشورمان، تمام عزیزانی که در این پروژه و مسیر شهید شدند، بچه‌هایی که در غزه به شهادت رسیدند، همچنین کودکانی که در آفریقا به‌خاطر این‌که یک‌سری کشورها می‌خواهند سیراب بشوند از گرسنگی می‌میرند، در هند از بیماری می‌میرند و خیلی اتفاقات تلخ دیگر... اگر هنرمندی در قبال این‌ها دغدغه نداشته باشد، این هنرمند اصلا وجود خارجی ندارد. امروز روزگار غریبی است؛ متأسفانه اتفاقی افتاده که برخی فکر می‌کنند هنرمندی به این است که در کافه‌های لس‌آنجلس، لندن یا پاریس بنشیني قهوه بخوری و در مورد یک جریان روشنفکری حرف بزنی، نه، اصلا این‌طور نیست! هنرمند باید از سختی‌های بشر حرف بزند. ذاتا روشنفکری همین است، روشنفکری یعنی دردمند بودن، از دردی حرف‌زدن که به‌خاطر پول، ثروت و اشرافیت‌گرایی، جنگ را در دنیا به‌راه انداخته



و خوزستان- در آستانه فروپاشی قرار دارد. این اثر، دعوتی است به یازاندیشی در رابطه انسان با طبیعت و تقویت حس مسئولیت‌پذیری جمعی در قبال آینده سیاره زمین. جشنواره بین‌المللی فیلم اقلیمی که با شعار «همه سزاوار صدایی هستند» برگزار می‌شود، امسال میزبان ۱۰۲۱ اثر ارسالی از سراسر جهان است.

چه خبر است و با بعضی از هنرمندان، چه داخلی و چه خارجی، بازی می‌کنند و این‌ها هم به‌راحتی بازی می‌خورند. ببینید، پشت کشور ایستادن دیگر اماو اگر ندارد؛ ضدجنگ بودن اماو اگر ندارد. تجاوز به خاک ما موضوعی است که باید با تمام قوا نسبت به آن مقابله کنیم و اگر وامایی در آن پذیرفته نیست، خیلی‌ها مثلا می‌گویند که ما فلان چیز را محکوم می‌کنیم اما بهمان چیز را محکوم نمی‌کنیم! چه‌کسی به تو گفته و مشخص کرده که این قضیه انسانی هست یا نیست؟ من، شما و هرکسی که در عالم هنر نفس می‌کشد، با مرگ و با شهادت یک عزیز باید جانش به درد بیاید. ضد هنر، همان اشرافیت‌گرایی است. ضد هنر، جوامعی هستند که به‌خاطر ساختمان‌های شیک‌شان و به‌خاطر پول‌های شان، بچه‌ها را می‌کشند؛ این‌ها ذاتا ضد هنرنند.

نکته دیگر این‌که در آثار شما، اگر بخواهیم یک تریجیع بند و نقطه مشترک پیدا کنیم، بحث خانواده و کودکان است. جنگ هم یکی از آن عوارضی است که مستقیما روی خانواده‌ها تاثیر می‌گذارد. به‌نظر شما یک کارگردان چطور می‌تواند راوی این فروپاشی خانواده باشد آن‌هم طوری‌که نه به ورطه سیاه‌نمایی بیفتد، نه روایتش تبدیل به یک اثر شعاری بشود؟

در هر نوع روایتی، زاویه دید آدم‌ها و هنرمند نسبت به موضوع بسیار مهم و تعیین‌کننده است. من احساس می‌کنم که در سینما گاهی ما برای این‌که بتوانیم به خودمان یک وجهه بدهیم، یا شاید بتوانیم خودمان را جشنواره‌ای‌تر و جذاب‌تر برای کشورهای دیگر نشان بدهیم، فقط به سمت سیاه‌نمایی می‌رویم.

اما باور من این است که می‌شود با ادبیات و نگاهی که برگرفته از هویت اصلی ایرانی است و رنگ و لعاب ایرانی دارد، روایت را طوری مطرح کرد که یک فیلم در قالب خانواده ساخته بشود؛ فیلمی که بشود آن را در کنار خانواده دید و برای خانواده‌ها مفهوم و ارزش پیدا کند. اصلا یکی از شاخصه‌های اصلی سینما این است که خانواده بتواند آن را ببیند، درحالی‌که خیلی از فیلم‌هایی که الان تولید می‌شود متأسفانه این‌گونه نیستند. من در سینما همواره به‌دنبال این فضا هستم که چگونه هر معضل یا مشکلی را که دارم مطرح می‌کنم، طوری بسازم که قابلیت دیده‌شدن توسط خانواده را داشته باشد و حرمت‌ها حفظ شود.

ممنونم جناب خواجه‌پاشا بابت وقتی‌که اختصاص دادید. اگر نکته‌ای در این بحث مغفول مانده، ممنون می‌شوم بفرمایید.

نکته خاصی نیست، فقط امیدوارم هرکسی، هر هنرمندی و هر شخصی که از لحاظ اجتماعی تلاشی می‌کند، این تلاش در راستای روشننگری باشد. سعی کند در مقابل جریان‌ی که دارد نگاه‌های درست را می‌بندد و حقایق را وارونه جلوه می‌دهد، بایستد و برخلاف آن حرکت کند تا بتواند روشنگرانه و کاملا آگاهانه کار کند.



بعضی از عزیزان می‌آیند این مسائل را از یکدیگر جدا می‌کنند. دل‌پیشی غبارگرفتگی جسم و روح است؛ غبارگرفتگی چشم است که جریان رسانه‌ای نظام سلطه روی آن کار می‌کند و جلوی چشم آنها پرده‌ای کشیده است. نمی‌دانند

قاب

تخفیف ۲۵ درصدی برای

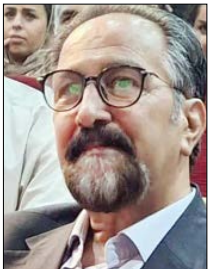
خریداران نمایشگاه کتاب

مدیر خانه کتاب و ادبیات، جزئیات میزان تخفیف تعلق گرفته به خریداران در سی‌وهفتمین نمایشگاه کتاب تهران را اعلام کرد. ابراهیم حیدری، مدیر خانه کتاب و ادبیات درباره میزان تخفیف درنظر گرفته‌شده برای خریداران در نمایشگاه کتاب گفت: دراین دوره، ناشران ۱۵ درصد تخفیف برای محصولات خود در نظر گرفته‌اند و ۱۰ درصد یارانه نیز از سوی مرکز اختصاص یافته است. به‌گفته او، همچنین خدمات پستی به‌صورت همگانی برای ارسال کتاب‌ها در نظر گرفته‌شده تا ارسال برای مخاطبان تسهیل شود. سی‌وهفتمین نمایشگاه کتاب تهران از ۲۳ اردیبهشت تا ۲ خرداد به‌صورت مجازی برگزار می‌شود.

رئیس انجمن موسیقی

ورامین درگذشت

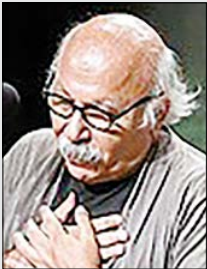
علی‌اکبر فروزش، رئیس انجمن موسیقی ورامین و از پیشکسوتان عرصه موسیقی ایران، پس از چهار دهه فعالیت و تربیت صدها شاگرد، درگذشت. به‌گزارش مهر، این هنرمند پس از چهل سال سرپرستی این انجمن، دارفانی را وداع گفت. استاد فروزش که صدها شاگرد او در حوزه موسیقی فعالیت می‌کنند، آخرین اجرای زنده خود را با نوازندگی ساز سنتور در شب کنسرت «حاتم لایق» در سالن ولایت برگزار کرده بود. او همواره بر اهمیت توجه به هنرمندان پیشکسوت تاکید می‌کرد و بارها از مسئولان فرهنگی کشور می‌خواست که کمترین توجه ممکن را به این قشر معطوف نکنند. درگذشت این هنرمند پیشکسوت، ضایعه‌ای برای جامعه موسیقی ورامین و کشور محسوب می‌شود. مراسم گرامیداشت این هنرمند پرباسبقه نیز روز نهم اردیبهشت‌ماه درمسجد حضرت بقیه‌الله(عج) باغ‌خوای ورامین برگزار خواهد شد.



سینما

واکنش علیرضا داوودنژاد نسبت به تنگه هرمز

علیرضا داوودنژاد در جدیدترین نوشتارش درباره «تنگه هرمز» نوشت. این کارگردان سینما در متنی با عنوان «به سران جهان» که در اختیار ایسنا گذاشت، نوشت: «حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، همواره چون شیر ی خفته در ناخودآگاه جمعی ایرانیان بود که اکنون بیدار گشته و بر فراز خلیج فارس گام برمی‌دارد. مسیر این حاکمیت، با عبور جسورانه فرماندهان از میان میدان‌های مین‌نشوده شده است؛ مسیری که ده‌ها میلیون رهرو ایرانی در پی آن هستند تا به غایت اهداف انقلاب ۵۷، یعنی توزیع عادلانه قدرت، تحقق عدالت و سیادت رای اکثریت بر قوانین اجرایی، دست یابند. به‌پوده در پی سرکوب اراده‌ای نباشید که ریشه در هزاره‌ها تاریخ دارد؛ ایران، نماد انقلابی بشریت است؛ معترض به جهانی‌که بر محور ستم و مدار ویرانی طبیعت می‌چرخد. حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، آغازگر عصری نو برای اعاده کرامت انسانی و بازگشت رافت به تمامی موجودات خواهد بود.»



جام جمه

سینما

C I N E M A

سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ ۱۴۰۵ شماره ۷۲۰۷

یادداشت

دکتر موسی حقانی پژوهشگر تاریخ معاصر

«بعثت مردم»: سازوکار

سیاست‌گذاری نرم و همبستگی ملی

شناخت رهبری از غرب را بایستی شناختی تاریخی قلمداد کرد؛ رهبری شهید معتقد بودند غرب سیاست نسبتا ثابت را درباره ایران طی دو سده گذشته دنبال کرده با این هدف همیشگی که از تبدیل‌شدن ایران به یک قدرت مستقل جلوگیری کند. از نگاه رهبری شهید، این سیاست در قالب راهبردهایی مشخص دنبال می‌شد؛ همانند جلوگیری از پیشرفت علمی و صنعتی ایران، تحریک گسل‌های قومی و منطقه‌ای، نفوذ در ساختارهای تصمیم‌گیری و تضعیف بنیان‌های قدرت ملی و همچنین حفظ وابستگی اقتصادی و فناوریانه کشور. ازین‌رو بازسازی توان دفاعی و علمی کشور از مهم‌ترین اقدامات ایشان بود.

در دورانی که بسیاری تصور می‌کردند ایران نمی‌تواند در چنین حوزه‌هایی به پیشرفت جدی دست‌یابد، ایشان به‌تاکید بر توسعه دانش بومی و توان داخلی پای فشردند.

به‌اعتقاد من، از دیگر ابزارهایی که ایشان برای جهت‌دهی اجتماعی به‌کارگرفتند، نام‌گذاری سال‌ها بود که شاید در ظاهر یک اقدام نمادین تلقی شود اما درواقع نوعی سازوکار سیاست‌گذاری نرم بود و هست، به‌ویژه که جهت‌دهی به گفتمان عمومی و تمرکزدهی جامعه و نهادها بر محوریت یک مساله کلیدی، روح چنین رویکردی بوده، آن‌هم در دورانی که از نگاه رهبری شهید، ایران در یکی از پیچ‌های مهم تاریخی خود قرار دارد و علی‌القاعده، عبور از چنین پیج‌هایی نیازمند همبستگی اجتماعی، خودباوری ملی و نگاه بلندمدت است و می‌توان اعجاز تحلیل رهبری شهید را در همین فرمایش ایشان یعنی «بعثت مردم» به‌عینه دید چراکه مفاهیم، تحولات، پیامدها و اثرگذاری‌های مرتب برآن ازجمله مهم‌ترین تحولات اجتماعی سال‌های اخیر شمرده می‌شود؛ بعثت مردم یعنی همین که جامعه، خود را بازگیر اصلی تاریخ بداند و از حالت تماشاگر خارج شود. به‌عبارت دیگر، بعثت مردم همان چیزی است که درکشف سایه ولی‌فقیه، طی سال‌های اخیر به‌تدریج در جامعه ایرانی شکل گرفته است.

در نگاه رهبری شهید، فاصله‌گرفتن از دسته‌بندی‌های جناحی از مولفه‌های مهم محسوب می‌شد کمااین‌که ایشان بارها گفته بودند از خدا خواسته‌اند از هرگونه وابستگی جناحی دور باشند و البته این مساله در عمل هم عیان بود، یعنی تلاش می‌کردند فراتر از دعوای سیاسی روز حرکت کنند.

روایت ایشان از ایران، روایتی سیاه‌نماییانه نبود همچنان‌که روایتی خوشبینانه و غیرواقعی نیز دانسته نشده و نمی‌شود. ایشان، ظرفیت‌ها و نقاط ضعف را توأمان بیان می‌کردند و به‌راستی‌که نوعی واقع‌بینی امیدوارانه در سخنان‌شان بازتاب داشت که به‌روشنی احساس می‌شد.

رهبری شهید صرفا یک سیاستمدار به‌شمار نمی‌رفتند، بلکه همزمان شخصیتی فرهنگی، تاریخی و راهبردی بودند. ایشان هم سیاستمدار بودند، هم اهل فرهنگ، هم تاریخ را عمیق می‌شناختند، هم نگاه آینده‌پژوهانه داشتند، در عین حالی که درباره ایران قدرتمند، مستقل و پیشرفته دغدغه‌ای مستمر داشتند.

آنچه که باعث تمایز این شخصیت می‌شود، جمع‌شدن چندین ساحت متفاوت در یک فرد است. مجموعه چنین ویژگی‌هایی کمتر در یک شخصیت واحد گرد می‌آید. چنان‌چه بکوشیم شخصیتی را در تاریخ معاصر ایران بیابیم که با رهبری شهید بتوان مقایسه‌اش کرد، بی‌هیچ‌گمان کار بسیار دشواری پیش رو خواهیم داشت. درواقع باید بگویم خود من شخصا نمونه‌ای در تاریخ معاصر ایران با چنین ترکیب شخصیتی‌ای سراغ ندارم.